

- ۱) معنای اول: وقتی به خداوند تعلق پیدا کردی همه چیز از آن تو خواهد بود.
معنای دوم: وقتی از روی گردان شوی همه چیز از تو روی گردان خواهد شد.
- ۲) مصراع «نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی» را به دو صورت می‌توان خواند: اگر «تکیه، در هجای آخر «راه‌نمایی» بارزتر باشد، معنای مصراع خواهد بود: «من جز به آن راه نمی‌روم چرا که تو راه‌نمای من هستی» اما اگر «تکیه» به هجای «راه» انتقال یابد معنای مصراع خواهد بود: «من به راهی نمی‌روم جز راهی که تو به من می‌نمایی، من جز راهی که تو به من نشان می‌دهی به راه دیگری نخواهم رفت.»
- ۳) آبروی بندگان را با وجود گنهکاری آنان نمی‌ریزد و روزی و رزق مقرر آن‌ها را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند.
- ۴) فرو می‌رود و بر می‌آید یا حیات و ذات
- ۵) تقرب به حق یا مراقبت و مکاشفت.
- ۶) و با پرورش خداوند، تخم خرما تبدیل به درخت نخل تنومند و بلند می‌گردد.
- ۷) برگ درختان
- ۸) او را ببینم- حذف به قرینه لفظی و هم‌چنین «من» از جمله‌ی اول حذف شده که به دلیل وجود شناسه‌ی / م / در فعل رفته بودم حذف به قرینه‌ی لفظی است.
- ۹) چه بهتر (است) که ... حذف به قرینه‌ی معنوی است ← قسمت حذف شده
- ۱۰) بود در جمله‌ی «هوا آفتابی [بود]» قرینه‌ی لفظی
- ۱۱) فعل اسنادی (باشد و است)
- ۱۲) حذف به قرینه‌ی لفظی («او» در جمله‌ی دوم یا فعل «می‌گذرد» در پایان عبارت)
- ۱۳) برگزیده و خالص از هر چیز (۰/۲۵)
- ۱۴) ستارالعیوب (۰/۲۵) ، رزاق (۰/۲۵)
- ۱۵) الف) رازق بودن خدا
ب) رزق مقرر و معین
- ۱۶) در عبارت، «من» که نهاد باشد حذف شده است. (۰/۲۵) - به قرینه‌ی لفظی (۰/۲۵)
- ۱۷) الف) توجه و لطف - پرورش یا هر مضمون مشابه (۰/۲۵)
ب) خداوند (۰/۲۵)
- ۱۸) با آمدن (۰/۲۵) فصل بهار (۰/۲۵) شاخه‌های درختان (۰/۲۵) پر از شکوفه می‌شوند (۰/۲۵)

۱۹ به دوستان گفت: از موجودات خشکی و دریا (در هیچ جای دنیا) کسی را به این حاضر جوابی ندیدم. (۰/۵)

۲۰ بر سر شاخه‌های کوچک، (۵/۵) با فرا رسیدن فصل بهار (۵/۲۵) کلاهی از شکوفه گذاشته است. (۵/۲۵)

۲۱ دانه‌ی خرمایی (۰/۲۵) با پرورش خداوند (۰/۲۵) درخت نخل بزرگی شده‌است. (۰/۲۵)

۲۲ کوتاهی در عبادت (۰/۲۵)

۲۳ ستایش مخصوص خداوند (۰/۲۵) بزرگ و گرامی است. (۰/۲۵) که فرمان بردن از او باعث نزدیکی به او است. (۰/۲۵) و شکر او موجب افزایش نعمت است. (۰/۲۵)

۲۴ یاد نکردن شیرین، فراموش کردن شیرین (۰/۵)

۲۵ همه‌ی کم و زیاد شدن‌ها به دست توست. (۰/۵)

۲۶ می‌آید ← مناسب است، برآورنده است

۲۷ ستایش مخصوص خداوند (۰/۲۵) توانا و عزیز و بزرگ است (۰/۲۵) که فرمان بردن از او باعث نزدیکی به او است (۰/۲۵) و شکر او موجب افزایش نعمت است. (۰/۲۵)

۲۸ گفت: خانه‌ی حاکم نزدیک است، آن‌جا می‌رویم. (۰/۵)

۲۹ قرینه‌ی لفظی (۰/۲۵)

۳۰ گفت باید انسان هوشیار، افراد مست را مجازات کند. (۰/۵)

۳۱ داری، قرینه‌ی معنوی.

۳۲ به امید رهایی از آتش دوزخ

۳۳ در پی درگاه تو هستم هم‌چنین در پی فضل و بخشش تو؛ توحید تو را می‌گویم زیرا سزاوار توحید هستی.

۳۴ کل موجودات

۳۵ [خسرو] گفت: مردم آن‌جا چه شغلی دارند؟ [فرهاد] گفت: کارشان خریدن اندوه و فروختن جان خود است.

۳۶ کنایه از فراموش کردن عشق و معشوق (یا هر پاسخی نظیر این مفهوم)

۳۷ [محتسب] گفت: هشیاران باید مست را مجازات شرعی کنند؛ [مست] گفت: برای این کار انسان هشیاری بیار، این‌جا وجود ندارد. (همه مست هستند.)

۳۸ یاد نکردن از شیرین

۳۹ پروین اعتصامی (۱۳۲۰ - ۱۲۸۵ ش)

۴۰ ستایش مخصوص خداوند بزرگ و گرامی است. که فرمان بردن از او باعث نزدیکی به او است. و شکر او موجب افزایش نعمت است.

۴۱ ستّار العیوب بودن (۰/۲۵)

۴۲ روزی و رزق مقرر آن‌ها را (۰/۲۵) با وجود خطاکار بودنشان (۰/۲۵) قطع نمی‌کند. (۰/۲۵)

۴۳ آب شرمم به چهر ← آب شرم به چهرم (۰/۵)

۴۴ فعل اسنادی (است) (۰/۲۵) قرینه معنوی (۰/۲۵) (درس ۲۶ - ص ۱۸۳)

۴۵ روزی‌دهنده بودن خداوند (رزاق بودن) (۰/۲۵) - ص ۱

۴۶ حذف فعل اسنادی (بودم) (۰/۲۵) - قرینه لفظی (۰/۲۵) درس ۲۶ - ص ۱۸۲

۴۷ افشروی انگور (آب انگور) با قدرت خداوند به شیرینی برگزیده‌ای تبدیل شده. (۰/۵)

۴۸ سرگشته شدن / سرگردانی (۰/۲۵)

۴۹ تعادل نداشتن فرد مست را می‌رساند. (۰/۵)

۵۰ مفعول (۰/۲۵)

۵۱ یابَدَت ← یابد + ت

جان یابَدَت زان خورش پرورش



جانِ تو زان خورش پرورش یابد
مضاف‌الیه

الف) گفتمت ← به تو گفتم.
متمم

۵۲

ب) هر چند لطیف عالم می‌خوانید ← مرا لطیف عالم می‌خوانید.
مفعول

ج) کارش ← کار او
مضاف‌الیه

د) که چون بینمش ← که او را بینم.
مفعول

۵۳ الف) به عقیده‌ی گذشتگان طاق نهم همان فلک‌الافلاک یا فلک نهم است که بر افلاک دیگر احاطه دارد. (۰/۵)

ب) پیامبر اکرم (ص) (۰/۲۵)

۵۴ فایق / باسق (شده و گشته هم می‌تواند سجع باشد) (۰/۵) (درس ۱ ص ۱۲)

۵۵ اگر به خدا باور و توجه قلبی داری، دل‌کندن تو از علایق مادی (دنیوی) موجب رسیدن تو به حیات معنوی و روحانی می‌گردد. (یا مفاهیم مشابه) (۰/۵) (ص ۲۳)

۵۶ اُمت مسلمان با یاری (شفاعت) پیامبر اکرم (ص) دلگرم (امیدوار) و شکست‌ناپذیر می‌گردند. (۰/۵) (درس ۱ ص ۱۳)

۵۷ عقل و خرد مهمتر از حفظ ظاهر و رعایت آن است. ص ۲۱

واژه‌ی معادل	معنا
وسیم	دارای نشان پیامبری
مفرح	شادی‌بخش
انابت	به خدای تعالی بازگشتن
بریدن	قطع کردن مقرری

۵۹ هر دو یک موضوع اجتماعی را بیان می‌کنند و از طریق مناظره سعی می‌کنند به زبان ساده مشکلات جامعه را بیان کند.

۶۰ الف) (رشوه‌خواری)

ب) (اوضاع نامساعد جامعه)

۶۱ لحن تعلیمی: زیرا این شعر نوعی تعلیم و اندرز به خواننده است.

۶۲ جناس (ص ۴۷)

۶۳ رشوه‌خواری حاکمان جامعه (ص ۱۹)

۶۴ الف) رای فک اضافه یا کسره‌ی اضافه (ب) است (ص ۱۹)

۶۵ گناه، کم یا زیاد آن، هر دو ناپسند است. (ص ۱۹)

۶۶ الف) منسوب (ص ۱۲) (ب) بهر (ص ۱۹)

۶۷ به شیوه‌ی صمیمی و خودمانی (ص ۱۳)

۶۸ بهر (بحر) / صد (سد) (ص ۲۰)

۶۹ فزاش (ص ۱۲)

۷۰ تلمیح (ص ۱۰)

۷۱ چهار مفعول (ص ۲۰)

۷۲ گزینه ب - بنان: سرانگشت (ص ۱۷)

۷۳ الف) حذف فعل «است» به قرینه لفظی (ص ۱۵) ب) حذف فعل «است» به قرینه معنایی (ص ۱۵)

۷۴ عاشق حقیقی، پاکباز و بی‌ادعا است. (ص ۱۴)

۷۵ قربت / نزدیکی

۷۶ الف) هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی (ص ۲۲)

ب) زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی (ص ۲۲)

۷۷ کسی‌که تو نگهدار و نگهبانش باشی غم ندارد. (ص ۱۶)

۷۸ الف) شبه ب) ثنایی

۷۹ الف) بخشش، کرم ب) پندار، تصوّر، خیال

۸۰ الف) جود ب) سزا

۸۱ گزینه پ پاسخ صحیح است. فعل «پوشی» در این بیت به معنای «پوشانی» به کار رفته است. «همه عیبی» مصراع نخست، مفعول است.

۸۲ الف) پادشاهها! تو را یاد می‌کنم که پاکی و خدایی و جز به همان راهی که تو مرا به آن راهنمایی کن، به راه دیگری نخواهم رفت.

ب) فقط به دنبال درگاه توام و از رحمت و لطف توست که حرکت می‌کنم و از یکتایی تو سخن می‌گویم که تو شایسته یکتایی هستی.

پ) همه اجزای وجود سنایی به ذکر یکتایی تو مشغول است، به این امید که از جهنم رهایی یابد.

۸۳ وصف‌ناپذیری خداوند

۸۴ الف) «قربت» به معنای «نزدیکی»

ب) «بهر» به معنای «برای»

۸۵ الف) مضاف‌الیه ب) مفعول پ) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه

۸۶ الف) مجاز؛ رزق و روزی

ب) تلمیح به داستان حضرت نوح (ع)

پ) نماد عاشق حقیقی

۸۷ الف) لب و دندان مجاز از همه اجزای وجود

ب) پرسش بیت نیازمند پاسخ نیست و تأکیدی بر این است که هیچ کس نمی‌تواند از عهده شکر خدا برآید.

۸۸ الف) به ابر بهاری (که مانند دایه‌ای است) دستور داده تا گیاهان را (که همچون دخترکانی‌اند) در زمین (که همچون گهواره‌ای است) پرورش دهند.

ب) به مناسبت فرا رسیدن وقت بهار، بر سر شاخه‌ها که چون کودکانی‌اند، کلاههایی به شکل شکوفه قرار داده است. پ) هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند که بخواهد تصویر تو را بکشد و کسی هم دیده، از شدت حیرت، قلم را از انگشتانش انداخته‌ای.

۸۹ الف) ۴ (ب) ۳ (پ) ۲ (ت) ۱

۹۰ الف) برویم (ب) به معنای اسنادی (گشتن)

پ) می‌رفت (ت) به معنای اسنادی (گشتن)

۹۱ نابسامان بودن شرایط اجتماعی.

۹۲ الف) بلندنظری آزادگان

ب) فساد در میان اقشار بالادستی جامعه

پ) جاودانگی عشق

۹۳ الف) بی‌توجهی عاشقان به سرزنش غافلان

ب) وفاداری به معشوق و پایداری در راه او

پ) اهمیت عقل و خرد

۹۴ الف) محتسب گفت باید انسان هوشیاری مست را شلاق بزند (مجازات کند). مست گفت: از ما دو نفر کسی هوشیار نیست، هوشیاری پیدا کن.

ب) از وجود بی‌ارزش خویش مانند مردان حقیقی بگذر تا به کمک کیمیای عشق به مقامی والا و ارزشمند برسی.

۹۵ الف) معنای اسنادی، وجود ندارد

ب) برویم

پ) معنای اسنادی

۹۶ تکرار (تو) و واج‌آرایی صامت (ت) و مصوت‌های (-) و (ای) در بیت تلمیح به نام‌های خدا در قرآن هم وجود دارد.

۹۷ الف) همان به [است]؛ قرینه معنایی

ب) لطف خداوندگار [بین] قرینه لفظی

۹۸ عاشق مدعی / عاشق حقیقی

۹۹ الف) همیشه در جستجوی توام و به لطف تو حرکت می‌کنم و از یگانگی تو می‌گویم که تو شایسته یکتایی هستی.

ب) آبروی بندگان خویش را به خاطر گناه آشنا نمی‌برد و مقرری روزی‌شان را به خاطر اشتباه ناپسند قطع نمی‌کند.

